

گفت‌وگوی ملی راه‌حل و پیشنهاد خوبی است و برخی دوستان هم آن را پیشنهاد کرده‌اند. از طرف‌های مختلف بنشینند و در مورد مسائل اصلی کشور و نحوه رویکرد ملی برای کاستن از مشکلات صحبت کنند. قطعاً دولت هم استقبال می‌کند. جناب آقای رییس‌جمهور هم به اعتبار اینکه مورد حمایت اکثریت ملت است و هم رییس‌جمهور کل ملت است خودش را در راهبری چنین فرآیندی که می‌تواند به نفع آینده کشور باشد مسؤول می‌داند

گفت‌وگوی روز

گفت‌وگوی ملی در تهران

جمشید انصاری، معاون **امور اداری و استخدامی رییس‌جمهور** در گفت‌وگو با «**اعتماد**»:

روحانی به گفت‌وگوی ملی پایبند است



صبا طاهر بان / اعتماد

دوم را شاهد بودیم که موجب تضعیف کارکردهای این دو

سازمان شد و در استان‌ها هم که این سازمان‌ها با یک رویکرد کارشناسی اداره می‌شدند با ادغام و قسار گرفتن آنها در استانداردها کارآملابا یک رویکرد سیاسی مدیریت شدند و از آن نقش اصلی خودشان به عنوان دستگاه کارشناسی استادی و بی‌طرف دولت دور شدند.

اساسا این بخش‌ها در استان‌ها بعد از این ادغام‌ها کار کردی داشتند؟

در استانداردی‌ها دو معاونت ایجاد شده بود که یکی معاونت برنامه‌ریزی بود که امور برنامه و بودجه را بر عهده داشت و دیگری معاونت توسعه مدیریت و برنامه‌انسانی بود که کار سازمان اداری و استخدامی را انجام می‌داد. ولی با یک نگاه سیاسی این کار انجام می‌شد.اگر قرار بود فردی استخدام شود کمتر به این مساله که نیاز یک دستگاه برای خدمات‌رسانی به مردم باشد مشکل را می‌دانستند و این را هم در نظر داشتند که برای قایق آمدن به این مشکل باید حجم بالایی از اشتغال برنامه‌ریزی بود که امور برنامه و بودجه را بر عهده داشت و در عنوان دستگاه‌سیاسی بودند و بیشتر مورد بحث عنوانی قرار می‌گرفتند. در زمان تبلیغات انتخاباتی سال ۹۲ یکی از شعارهای آقای روحانی احیای مجدد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بود که یک مرحله دو صورت سازمان واحد این کار انجام شد و واحدهای استانی هم از استانداردی جدا منتزع شدند ولی چون در عمل مشکلاتی پیش آمد به این نتیجه رسیدند که نسبت به جداسازی آن به صورت دو سازمان مستقل اقدام شود. لذا، منابع مالی و بودجه کشور برعهده سازمان برنامه و بودجه کشور قرار گرفت و مدیریت منابع انسانی و نظام‌های مدیریت بر عهده سازمان اداری و استخدامی کشور. شمااز جمله افرادی بودید که قبل از انحلال ادغام‌ها

این سازمان‌ها در این سازمان حضور داشتید. بعد از اینکه به این مسوولیت بازگشتید چقدر متوجه پیشرفت یا پسرفت کار شدید؟

به جرات می‌شود گفت که از سال ۱۳۸۶ که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی منحل و واحدهای استانی این سازمان در استانداردی‌ها ادغام شدند بخش قابل توجهی از نیروی کارشناسی توانمند هر دو بخش از این مجموعه خارج شد. این بحران در صورت خروج طبیعی که بازنستسنگی بود یا اینکه انتقالی گرفتند و به دیگر دستگاه‌هایی که می‌توانستند کار کارشناسی موثر و مفید انجام دهند، رفتند. یعنی بنده کارشناسی هم در سازمان لطمه خورد. زندگی در مردان ماده سال گذشته تصمیم به احیای هر دو بخش به عنوان سازمان مستقل گرفته شد نه معاونت (چرا که این دو مفهوم به لحاظ کارکرد و تأثیرشان در نظام اداری کشور تفاوت دارند) در واقع ما دو سازمانی را تحویل گرفتیم که در مقایسه به دهه ۸۰ بسیار از لحاظ کارشناسی تضعیف شده بودند و یکی از اساسی‌ترین کارها در بازآفرینی این سازمان و سازمان منابع و بودجه که آقای دکتر نوبخت در آن مسوولیت دارند تقویت توان کارشناسی بود. بسیاری از دستگاه‌های اجرایی بدون اینکه موافقت‌های قانونی را از این سازمان‌ها در یافت کنند درحال انجام یا در دستور کار قرار دادند. در حالی که در نظر کارشناسی و میانی قانونی درست نبود. به صورت کلی به نظر می‌رسد که در طول یک سال گذشته با حمایت‌هایی که آقای رییس‌جمهور از نقش این دو سازمان در دولت داشته این روند احیای جایگاه مسیر خوبی را طی کرده و امیدواریم تا پایان سال ۹۶ دو سازمان با توان کارشناسی و اقتدار قانونی بالا برای امور ستادی و کارشناسی دولت داشته باشیم.

یکی از موقلانی که در انتخابات اخیر شاهد آن بودیم سیاسی شدن مقوله شغل بود. کاندیداهای اصولگرا اصرار عجیب و جدی بر ایجاد شغل در دولت احتمالی‌شان داشتند. خاطر هست که در ایام انتخابات نیز بارها در مورد ادعاهای کاندیداها سازمان شما اطلاعیه و جوابیه داد. من می‌خواهم دو سوال از شما بپرسم یکی اینکه چرا مقوله شغل سیاسی شد و دیگری اینکه مردم چرا به چنین وعده‌هایی اصلا توجه و اعتماد نکردند؟

اساسا طرح شعارهای انتخابی بر خاسته از مشکلات موجود در جامعه و مردم است. کاندیداهای می‌خواهند برای حل مشکلات اصلی مردم شعار و برنامه ارائه کنند. طبعاً در فضای کنونی کشور بحث بیکاری به‌ویژه برای جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی یک مساله جدی است. به همین دلیل چون یک مطالبه اجتماعی برای حل این مشکل وجود دارد و این مشکل را خیلی از خانواده‌ها احساس می‌کنند و از طرف دیگر تمام کسانی که در عرصه انتخابات حاضر می‌شوند، لازم می‌دانستند برای حل این مشکل که مورد مطالبه عمومی است، برنامه‌ارایه دهند و همه وارد بحث اشتغال و نحوه مقابله با پدیده بیکاری شدند. من اسم این کار را سیاسی شدن نمی‌گذارم؟ من معتقد هستم که بالاخره «اشتغال» به عنوان یکی از دوسه چالش اصلی کشور مطرح

siasat@etemadnewspaper.ir

روحانی زمینه‌های لازم برای گفت‌وگو را فراهم می‌کند

گفت‌وگوی ملی راه‌حل و پیشنهاد خوبی است و برخی دوستان هم آن را پیشنهاد کرده‌اند. از طرف‌های مختلف بنشینند و در مورد مسائل اصلی کشور و نحوه رویکرد ملی برای کاستن از مشکلات صحبت کنند. قطعاً دولت هم استقبال می‌کند. جناب آقای رییس‌جمهور هم به اعتبار اینکه مورد حمایت اکثریت ملت است و هم رییس‌جمهور کل ملت است خودش را در راهبری چنین فرآیندی که می‌تواند به نفع آینده کشور باشد مسؤول می‌داند

وزمنه‌های لازم برای این گفت‌وگو را ان‌شاءالله فراهم می‌کند.

جمشید انصاری، معاون امور اداری و استخدامی رییس‌جمهور

در گذشته صورت گرفته بوده‌است؟

اساساً به دو دلیل این موضوع در سیاست‌های کلی نظام اداری و سیاست‌های برنامه ششم توسعه و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پیش‌بینی شده‌است. یکی از دلایل این است که هر چقدر دولت سنگین‌تر باشد چالاک‌ی و تحرک خود را برای انجام بهتر ماموریت‌هایش از دست می‌دهد و معمولاً دولت‌هایی که سبک‌تر هستند برای انجام ماموریت چالاک‌تر هستند. دلیل دوم هم هزینه بسیار بالایی است که نیروی انسانی بر بودجه عمومی تحمیل می‌کند. نزدیک به ۶۰ درصد بودجه عمومی ما صرف پرداخت حقوق و مزایای کارکنان دولت می‌شود و دیگر بودجه عمومی کشور کشتش پرداخت بیشتر از این را ندارد. بنابراین استخدام‌های دولتی صرفاً به جایگزینی نیروی خروجی و توسعه ضروری فعالیت‌های دولت اختصاص پیدا می‌کند. فرض کنید ما بیمارستانی را در شهری افتتاح می‌کنیم که قبلاً وجود نداشته و حالا می‌خواهد خدمات درمانی به مردم ارائه کند، در حدی که بتوانیم نیروی حداقلی آن بیمارستان را تامین کنیم می‌توانیم مجوز استخدام در وزارت بهداشت و درمان صادر کنیم یا در حدنیروهایی که از سیستم دولتی خارج می‌شوند و می‌توانیم حقوق آنها را به نفع نیروهای جایگزین پرداخت کنیم و امکان تامین منابع مالی علاوه بر هزینه‌های جاری بسیار دشوار است.

مثل همین از موزن استخدامی که قرار است بر گزار شود؟

بله! این از مهن قرار است براساس این دو اصل بر گزار شود. بخشی از آن برای کارهای توسعه‌ای یا خدمات توسعه‌ای و بخشی هم برای جایگزینی آن حداقل‌هایی که از دولت خارج شده‌اند.

موضوع دیگری که ایمن روزها در حال پیگیری آن هستید لایحه اصلاح ساختاری دولت است. لایحه‌ای که قرار است ادغام‌های صورت گرفته در دولت آقای احمدی‌نژاد را اصلاح کرده و تفکیک مجدد صورت بگیرد. آن ادغام‌ها آیا واقعا غیر کارشناسی صورت گرفته بوده که حالا به دنبال اصلاحش هستید؟

در مورد آن تصمیم نه می‌شود گفت که کارشناسی بوده است و نه می‌توان گفت که کلاً غیر کارشناسی بوده‌است. تصمیم بر کم کردن چهار وزارت‌خانه که در مجلس هشتم در قانون برنامه پنجم توسعه اتخاذ شد مبنای اجلاس کارشناسی نداشت. یعنی اگر سوال می‌شد که چرا چهار وزارت‌خانه کم کنیم و چرا پنج وزارت‌خانه کم نکنیم هیچ دلیل کارشناسی برای اسات‌گذاری در این مورد وجود نداشت. اما تکلیفی بود که در راستای کوچک‌سازی دولت به صورت تکلیف کلی از سوی مجلس به دولت ابلاغ شد. در مورد وزارت‌خانه‌هایی که از سوی دولت اقدام در اجرای این تکلیف در نظر گرفته شدند بخشی از آن تصمیم مبنای کارشناسی سابقه در دولت داشت و بخشی نداشت. هیچ یک از مطالعات گذشته ما ادغام وزارت مدکن و شهرسازی در راه و ترابری را توصیه نمی‌کرد ولی به دلایلی خاص و کاملاً غیر کارشناسی این ادغام انجام شد. اما برای ادغام بخش بازرگانی در صنعت و معدن برخی از مطالعات کارشناسی قبلی هم این را توصیه می‌کرد و در نتیجه مبنای تصمیم یک توصیه کارشناسی داشت. برای ادغام رفاه اجتماعی و کار نیز هیچ پیشینه‌ی سابقه مطالعات کارشناسی وجود نداشت. حتی ادغام وزارت تعاون و پیشینداده دولت وقت هم نبود و در مجلس اضافه شد. البته صرفاً وجود مبنای کارشناسی برای این تصمیمات کافی نیست بلکه مهم این است که زمانی که ما آمدیم و این ادغام را انجام دادیم آیا آن را درست انجام دادیم یا در ست انجام ندادیم. بر سرسی‌های ما نشان می‌دهد که در بخش‌هایی این کار درست انجام نشد. مثلاً در ادغام وزارت بازرگانی در بخش صنعت و معدن که بعد یک قانون و طرحی هم در مجلس تصویب شد که بخش بازرگانی حوزه کشاورزی را جدا کرد و به وزارت جهاد کشاورزی ادغام اول با یکپارچگی بخش بازرگانی از زین بردیم. بخشی در وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار گرفت و بخشی در وزارت جهاد کشاورزی. ولی نکته هر دو وزارت‌خانه به حمایت از تولید و تولیدکننده قرار گرفت و در مقابل حمایت از مصرف‌کننده مورد غفلت قرار گرفت. یعنی وزارت صنعت، معدن و تجارت تصور می‌کرد که ابزار اصلی سیاست‌گذاری تجاری برای حمایت از تولید باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد تا تنظیم بازار و حمایت از مصرف‌کننده. همین اتفاق در وزارت جهاد کشاورزی هم افتاد و این حمایت از تولید بخش کشاورزی همیشه حل مشکلات و افزایش بهره‌افران را بیشتر مدنظر قرار دادند تا هزینه‌های کم‌رشدن مصرف‌کنندگان. مثلاً ما دیدیم که یک‌دفعه اتفاقی در صنعت خودرو افتاد که فقط با حمایت وزارت صنعت، معدن و تجارت خودرو می‌توانستند تولید کنند. آن قیمت‌ها را در جامعه اجرائی کردیم و گرنه اگر قرار بود که این کار در یک فضای رقابتی انجام شود قیمت‌ها از طرف مردم مورد قبول نبود اما حمایت از تولید باعث شد که آن قیمت‌ها به مردم تحمیل شود. به نظر می‌رسد آنچه که هر دو مشکلات بازار و حمایت از مصرف‌کننده باید مورد توجه بود، در دستور کار می‌گرفت کمتر مورد توجه قرار گرفت. اساساً اقتدار و این کار تضعیف شد که کار تنظیم بازار به حوزه ریاست‌جمهوری و معاونت اجرایی رییس‌جمهور محول شد عمل کردند در حالی که هدف ادغام این نبود. ضمن اینکه بنا بر این بود که ما با ادغام تجارت در صنعت و معدن نه توسعه صادرات محصولات صنعتی برسیم. تمام گزارش‌ها نشان می‌دهد افزایشی که ما در توسعه صادرات غیر نفتی داریم بیشتر مربوط به محصولات پتروشیمی و معیانات است. عملاً کارهای موثری در حوزه توسعه صادرات محصولات صنعتی را شاهد نیستیم. می‌خواهم بگویم که حتی اگر این کار مبنای کارشناسی هم داشت در عمل با آن نناپنجی نیزسد. در راه و شهرسازی هم عملاً دو توافق افتاد. یکی اینکه وزارت‌خانه‌سنگینی تشکیل شد که حدود نصف اعتبارات عمرانی کشور را به تنهایی در اختیار دارد و مدیریتمت دشوار است. ضمن این‌ها موضوع بحث مدیریت و صنعت و معدن نه توسعه شهری و شهرسازی بود که تقریباً همه مورد غفلت قرار گرفت ما الان با مشکلات جدی در توسعه شهرها و عدم تکمیل خدمات شهری آنها مواجه هستیم ضمن اینکه خود بحث تامین مسکن نیز به حاشیه قرار گرفت. حداقل در کشور ما مردم توقع دارند که دولت نقش موثرتری در تامین مسکن ایفا کند. با سنگین شدن وزارت‌خانه هم کار دشوار تر شد.

بله! اصلاً استخدام نیرو در مجموعه دولت به آن صورت دیده شده‌است. قانون برنامه ششم توسعه، دولت را ملزم کرده‌است تا پایان سال ۹۷ برای پنج درصد کم کند و از آنجا پس انسانی دولت به جز آموزش و پرورش را حدود یک میلیون ۲۰۰ هزار نفر در نظر بگیریم در واقع باید چیزی حدود ۷۰ هزار نفر از کارکنان دولت تا پایان سال ۱۳۹۷ کاهش یابد. این الزام چرا دیده شده‌است؟

بله! اصلاً استخدام نیرو در مجموعه دولت به آن صورت دیده شده‌است. قانون برنامه ششم توسعه، دولت را ملزم کرده‌است تا پایان سال ۹۷ برای پنج درصد کم کند و از آنجا پس انسانی دولت به جز آموزش و پرورش را حدود یک میلیون ۲۰۰ هزار نفر در نظر بگیریم در واقع باید چیزی حدود ۷۰ هزار نفر از کارکنان دولت تا پایان سال ۱۳۹۷ کاهش یابد. این الزام چرا دیده شده‌است؟

بله! اصلاً استخدام نیرو در مجموعه دولت به آن صورت دیده شده‌است. قانون برنامه ششم توسعه، دولت را ملزم کرده‌است تا پایان سال ۹۷ برای پنج درصد کم کند. یعنی کارکنان و انسانی دولت به جز آموزش و پرورش را حدود یک میلیون ۲۰۰ هزار نفر در نظر بگیریم در واقع باید چیزی حدود ۷۰ هزار نفر از کارکنان دولت تا پایان سال ۱۳۹۷ کاهش یابد. این الزام چرا دیده شده‌است؟

سیاست



۱

و هر چه ادغام بوده در حوزه اقتصادی انجام دادیم. لذا، دولت و آقای رییس‌جمهور برای کم کردن از کاستی‌هایی که در این ادغام‌ها رخ داده‌است و تقویت نهادها و وزارت‌خانه‌های مسوول در حوزه اقتصادی این تفکیک را در دستور کار قرار دادند. لازم می‌دانم براین نکته نیز تاکید کنم که اساساً ساختار سازمانی و تشکیلات ایزر پیشبرد برنامه‌هاست و به خودی خود اصالت ندارد. ما یک روزی فکر می‌کنیم که باید برنامه اقتصادی خاصی را انجام بدهیم و برای تحقق آن برنامه اقتصادی خاص ممکن است یک وزارت‌خانه ایجاد کنیم.

ما در اوایل انقلاب فکر می‌کردیم که بخش معدن مورد توجه جدی قرار نگرفته‌است و نیازمند توسعه در حوزه اکتشاف بهره‌برداری از معادن هستسیم و برای همین آمدیم وزارت معادن و فلزات ایجاد کردیم. وقتی این وزارت‌خانه ۱۵ سال کار کرد و تحرک جدی در بخش معدن ایجاد شد و احساس کردیم که این دفعه بهره‌برداری صنعتی از محصولات معدنی مهم است و برای اینکه بتوانیم در صنعتی‌سازی مواد وزارت صنایع و معدن در دستور کار قرار گرفت. می‌خواهم بگویم که نه‌آن ایجاد و انتزاع و نه آن ادغام را نمی‌شود از منظر تاز بخی همیشه درست یا نادرست تلفی کرد بلکه باید گفت که بر نامه دولت یا کشور امروز چیست و متناسب با آن برنامه باید برای طراحی و ایجاد ساختار مناسب اقدام کنیم. نظر تان در مورد حملات گسترش دهای که طی یک ماه گذشته به رییس‌جمهور صورت گرفته‌است چیست؟ دلیل این حملات را چه می‌دانید؟

من اگر بخواهم حرف دقیقی بزنم باید بگویم که همه این تحرکات ریشه در توسعه نیافتگی سیاسی ما دارد. ما در واقع خیلی عادت داریم که به قواعد کار سیاسی نزن بدهیم. وقتی که وارد یک کارزار انتخاباتی می‌شویم و کاندیداها با گرایشات مختلف سیاسی را داریم که برنامه‌های‌شان را به مردم ارائه می‌دهند و به هر دلیلی برنامه یکی بیشتر مورد استقبال مردم قرار می‌گیرد قاعده کار سیاسی و دموکراسی اقتضای کند کسانی که برنامه‌های‌شان مورد استقبال مردم قرار نگرفته است به بازسازی جبهه و جریان فکری و سیاسی خودشان برآوردند و در برنامه‌های‌شان تجدید نظر و خودشان را آماده

کنند تا در دوره دیگری که این دولت مورد اقبال قرار نگیرد برنامه‌های خودشان را به مردم عرضه کنند. ما فکر می‌کنیم که باید آنچه در انتخابات انجام می‌دادیم حالا باید به عنوان مقابله بعد از آن نیز ادامه بدهیم. این از توسعه نیافتگی سیاسی ماناشی می‌شود. آن عزیزانی که در جناح مقابل دولت و آقای روحانی قرار داشتند باید به انتخاب مردم تن بدهند. اصلاً باید فرضی را فراهم کنند تا سواد مردم از آرای مردم برآمده است برنامه‌های خودشان را ارائه و شروع به اجرای آنها کنند. هنوز دولت لکل نگرته، برنامه‌هایش را ارائه نکرده و کارش را شروع نکرده با یک رویکرد نفاقانه تعبیری با دولت برخورد می‌کنم این دوستان کمی برای نقد دولت مجله دارند. نقد دولت، نقد عملکرد است. نقد عملکرد دولت باید هم را وارد شود، تا نیاورد به اندازه کافی در انتخابات انجام دادند و آن برنده بسته شد. حالا قرار است دولت جدیدی تحت عنوان دولت دوازدهم شکل بگیرد که باید به آقای رییس‌جمهور اجازه بدهند آن دولت را متناسب با برنامه‌ها و دیدگاه‌های خودشان شکل بدهند و تحمیلی بر ایشان نشود. به نظر می‌رسد که بزرگان باید این دوستان ما را نصیحت کنند و بگویند که اگر آنهاهم روزی به عرصه انتخابات آمدند برای حل مسائل و مشکلات مردم در کشور آمده‌اند. اما می‌توانند برنامه‌های خودشان بودند که لزوماً برنده انتخابات باشند و اگر برنده انتخابات شدند بگویند که برنده انتخابات نباید مشکلات مردم را حل کند یا اینکه توانایی برای این کار ندارد. لازم است برای مردم برای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها به رییس‌جمهور منتخب مردم داده شود و بعد از یک مدت زمان معقول نقد عملکرد دولت انجام شود.

البته اخیراً برخی اصولگرابان مثل آقای زاکنی پیشیندادهی مبنی بر آتش‌بس در مواجبه با دولت داده‌اند. این پیشینداهی را جطور از زبانی می‌کنید؟ فکر می‌کنید که این پیشینداهی در مورد آتش‌بس در حمله به دولت چقدر جدی باشد و چقدر امید به عملیاتی شدن چنین وضعیتی دارید؟

من فکر نمی‌کنم که یک جنگ تمام‌عیاری بوده‌است و الان باید آتش‌بس بدهند. در یک سطحی بی اخلاقی‌ها و بداخلاقی‌هایی بوده‌است. اگر منظور از آتش‌بس این است که این بی اخلاقی‌ها و بداخلاقی‌ها تمام شود پیشنهاد خوبی است و از اولی هم نباید انجام می‌شد. اما بی‌مخزن خوبی است که ما مثلاً ملک مهلتی به دولت بدهسیم و بعد از مدت زمانی دوباره جنگ را شروع کنیم با منق ادغام امور کشور و کشورداری نمی‌خواند. همین‌طور که گفتیم من ریشه این مسائل را توسعه نیافتگی سیاسی در احزاب، جریانات و گروه‌های سیاسی می‌دانم.

راه‌حل چیست؟

فکر می‌کنم بهترین کار، اجرایی شدن همان حرفی باشد که ما از زمان حضور در مجلس هشتم می‌زدیم و به دوستان اصولگرا که اکثریت آن مجلس را در اختیار داشتند توصیه می‌کردیم. با متمیم کردن بد جزاین سیاسی، و به‌ویژه وقتی آن جریان بین مردم ریشه‌دار باشد مشکل کشور حل نمی‌شود. این کشور را بهره‌گیری از تمامی امکانات و نیروهای خوداست که می‌تواند بر مشکلات قیاد بکند و لازم است همه ما یک گفت‌وگوی ملی رو کنیم و در یک فرآیند گفت‌وگوی ملی اولویت‌های اصلی کشور و ایده‌های‌مان را برای رسیدن به آن اولویت‌ها مشخص کنیم. حل مسائل پیشرفت و مشکلات از دعوای‌های جریان‌های سیاسی بسیار مهم‌تر است. ما معتقد و مدعی هستیم که می‌توانیم در منازعات بین‌المللی میان‌جیگری کنیم. خیلی از ما اعتقاد داریم که حرف‌های جدی برای بهبود امور کشور داریم اما منمی‌دانم چرا از اینکه ما هم دور یک میز بنشینیم و صحبت کنیم ضعف داریم یا به تعبیر بهتر می‌ترسیم. من فکر می‌کنم خیلی از دوستان از اینکه در یک گفت‌وگوی ملی به این نتیجه برسند که این دوهای‌ها در دست راست یا چپ اشتباه بوده می‌ترسند و فکر می‌کنند حتماً باید فرض را بر درست بودن دیدگاه‌های‌شان بگذارند تا اینکه دیگران بایانند و در مورد اینکه چقدر این دیدگاه‌ها درست است یا آنها صحبت کنند. گفت‌وگوی ملی راه‌حل و پیشنهاد خوبی است و برخی از دوستان هم آن را پیشنهاد کرده‌اند. از طرف‌های مختلف بنشینند و در مورد مسائل اصلی کشور و نحوه رویکرد ملی برای کاستن از مشکلات صحبت کنند. قطعاً دولت هم استقبال می‌کند.

از گفت‌وگوی ملی؟

بله. جناب آقای رییس‌جمهور هم به اعتبار اینکه مورد حمایت اکثریت ملت است و هم رییس‌جمهور کل ملت است خودش را در راهبری چنین فرآیندی که می‌تواند به نفع آینده کشور باشد مسؤول می‌داند و زمینه‌های لازم برای نفع گفت‌وگو را ان‌شاءالله فراهم می‌کند.

از گفت‌وگوی ملی؟

بله. جناب آقای رییس‌جمهور هم به اعتبار اینکه مورد حمایت اکثریت ملت است و هم رییس‌جمهور کل ملت است خودش را در راهبری چنین فرآیندی که می‌تواند به نفع آینده کشور باشد مسؤول می‌داند و زمینه‌های لازم برای نفع گفت‌وگو را ان‌شاءالله فراهم می‌کند.

مگر جنگ تمام‌عیار بوده که آتش‌بس بدهند؟

فکر نمی‌کنم که یک جنگ تمام‌عیاری بوده‌است و الان باید آتش‌بس بدهند. در یک سطحی بی اخلاقی‌ها و بداخلاقی‌هایی بوده‌است. اگر منظور از آتش‌بس این است که این بی اخلاقی‌ها و بداخلاقی‌ها تمام شود پیشنهاد خوبی است و از اولی هم نباید انجام می‌شد. اما بی‌مخزن خوبی است که ما مثلاً ملک مهلتی به دولت بدهیم و بعد از مدت زمانی دوباره جنگ را شروع کنیم با منق اداره امور کشور و کشورداری نمی‌خواند. همان‌طور که گفتیم ریشه این مسائل را توسعه نیافتگی سیاسی در احزاب، جریانات و گروه‌های سیاسی می‌دانم.

مهشید ستوده



سازمان به محاق رفتن اداری و استخدامی کشور حالا یک سالی است که با دستور رییس‌جمهور دوباره سر را شده‌است. هر چند رییس فعلی‌اش که سابقه سال‌ها حضور در همین سازمان را دارد از اینکه بدنه کارشناسی این سازمان همچون سازمان برنامه و بودجه در دهه گذشته از بین رفته متأسف است اما امید دارد که تا پایان سال ۹۷ این سازمان کاملاً دوباره سر پا شود. جمشید انصاری حالا نزدیک به یک سال است که از استانداری زنجان به سازمان امور اداری و استخدامی کشور رفته‌است تا به سرپا شدن این سازمان دوباره کمک کند. او اما همچون روزهای سخت‌نماندگی در مجلس هشتم از شرایط سیاسی این روزهای کشور هم تحلیل جالبی دارد. آنها را که هنوز در فضای انتخابات ریاست‌جمهوری مانده‌اند و توپخانه‌های‌شان سخت مشغول حمله به دولت هستند را آنهایی می‌داند که در میدان سیاست هنوز به توسعه یافته‌گی نرسیده‌اند. تاکید می‌کند که این شکل حمله به دولت آن هم در روز‌هایی که دولت جدید هنوز تشکیل نشده‌است و نادرست می‌خواند و خطاب به آنها می‌گوید که نقد دولت را وارد یا سناوارد در روز‌های رقابت‌های انتخاباتی به اندازه کافی انجام داده‌اند و حالا بهتر است که به دولت مهلت دهند که کارش را آغاز کند. انصاری اما خطاب به آنهایی که این روزها پیشینه‌هاد آتش‌بس می‌دهند می‌پرسد مگر جنگ تمام‌عیاری بوده‌است که می‌خواهند آتش‌بس دهند؟ یا آنها پیشینه‌هاد می‌کنند که به جای آتش‌بس به می‌دهند یادخاندی بی اخلاقی‌هایی که برآه انداخته‌اند آتش‌بس بدهند. او اما بر همان پیشنههای که نمایندگان اصلاح طلب مجلس هشتم در روزهای سخت پس از ۸۸ داده بودند تکیه دارد و می‌گوید که بهتر می‌تواند برای شرایط این کشور آتش‌بس بدهد. اما گفت‌وگویی که بتواند مشکلات کشور را حل کند و به دعوای سیاسی پایان دهد. اما خبر خوشی که او در پس این پیشینه‌هاد می‌دهد است: «باز نرسیده‌ایم که در این دوستان هم مشکلات سیاسی وجود داشته‌است. این دوستان را باید آتش‌بس بدهد و حتی رییس‌جمهور می‌تواند زمینه تحقق آن گفت‌وگوی ملی را فراهم کند. متن گفت‌وگو در «اعتماد» با جمشید انصاری، معاون وزیر امور اداری و استخدامی، در جریان است. به نظر می‌آید که آتش‌بس در روزهای گذشته با هر چه پیشرفت کرد در مقایسه به دهه ۸۰ بسیار از لحاظ کارشناسی تضعیف شده بودند و یکی از اساسی‌ترین کارها در بازآفرینی این سازمان و سازمان منابع و بودجه که آقای دکتر نوبخت در آن مسوولیت دارند تقویت توان کارشناسی بود. بسیاری از دستگاه‌های اجرایی بدون اینکه موافقت‌های قانونی را از این سازمان‌ها در یافت کنند درحال انجام یا در دستور کار قرار دادند. در حالی که در نظر کارشناسی و میانی قانونی درست نبود. به صورت کلی به نظر می‌رسد که در طول یک سال گذشته با حمایت‌هایی که آقای رییس‌جمهور از نقش این دو سازمان در دولت داشته این روند احیای جایگاه مسیر خوبی را طی کرده و امیدواریم تا پایان سال ۹۶ دو سازمان با توان کارشناسی و اقتدار قانونی بالا برای امور ستادی و کارشناسی دولت داشته باشیم.

سازمان استخدامی است که در یک سال اخیر با دستور رییس‌جمهور احیا شد. احیای این سازمان چقدر در یک سال اخیر منظم تر بوده‌است؟

من ابتدا عبارت شما را تصحیح نمی‌کنم چون می‌تواند باعث و پیامدهای نادرستی داشته باشد. این سازمان، سازمان اداری و استخدامی کشور است. زمانی که ما می‌گوییم «سازمان استخدامی»، این تلفی ایجاد می‌شود که این دستگاه مسوول استخدام مناقضین در دولت است. در حالی که این دستگاه مسوول تنظیم مسائل مربوط به نیروی انسانی و مدیریت بخش عمومی و دولتی است. این تعبیر اداری به «مطام‌های مدیریت» بازمی‌گردد و تعبیر استخدامی به «مطام‌های نیروی انسانی دولت». وظیفه این سازمان مدیریت نظام‌های اداری و همین‌طور نیروی انسانی دولت است. به نظر من ایده‌ای که مطرح و به ادغام دو سازمان «برنامه و بودجه» و «امور اداری و استخدامی» منجر دو سازمان «مدیریت و برنامه‌ریزی» تاسیس شده، ایده بدی نبود. در آن زمان هم من در خصوص انحلال این دو سازمان مسوولیتی یکی از دو معاونت اصلی سازمان با من اجرا نشد. یعنی ما بسیاری از ایده‌ها را داریم که از یک میانی کارشناسی درست و خوبی برخوردارند و اگر به درستی اجرا بشوند می‌توانند نتایج خوبی برای کشور داشته باشند اما وقتی که همین ایده‌های خوب و تحلیل‌های کارشناسی درست در مقام عمل خوب به مرحله اجرا نرسند دیگر نمی‌توانند واجد نتایج خوب باشند و برخی اوقات مشکل سازمان می‌شوند.

پس مشکل از ایده نبود و مشکل از اجرا بود؟

به نظر من آن ایده، ایده خوبی بود. در یک مقطعی هم خوب جلوتر رفت ولی با تصمیمی که دولت نهم در خصوص انحلال واحدهای استانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و ادغام آنها در استانداردی‌های کشور گرفت و واحد مرکزی هم به دو معاونت رییس‌جمهور در سال ۱۳۸۶ تفکیک شد و از حالت سازمان هم خارج شد آن برنامه‌را به هم درواه‌هافت تاسیس و عملکرد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با اختلال مواجه شد. ادامه کار که می‌گوئه‌ای بود که نه اهداف دو سازمان مستقل را برآورده می‌کرد و نه اهداف سازمان ادغامی را. اساساً یک نوع بی‌توجهی به نقش دو سازمان ستادی در دولت نهم و

^[1] در گذشته صورت گرفته بوده‌است

^[2] اساساً به دو دلیل این موضوع در سیاست‌های کلی نظام اداری و سیاست‌های برنامه ششم توسعه و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پیش‌بینی شده‌است